

مطالعه تطبیقی خسارت معنوی در حقوق ایران و مصر از منظر اخلاقی

^۱ حسن اژداری

^۲ نجاد علی الماسی

^۳ ایرج پور عرفان

چکیده

تا مدت‌ها خسارت معنوی قابل تقویم به پول نبود. از نظر اخلاقی نیز زنده بود که خسارت معنوی با پول جبران شود. به همین جهت غرامت نمی‌توانست ضرر را از بین ببرد. البته هم اکنون نیز از لحاظ فنی تقویم غرامت امری فوق‌العاده دقیق و دشوار است. اما با تکامل روزافزون مفهوم مسئولیت مدنی این اصل پذیرفته شد که هدف از مسؤولیت مدنی این است که حتی الامکان، معادل ضرر به دست بیاید و به این صورت جبران شود. و با اینکه جبران ضرر معنوی منحصر به پرداخت پول نیست اما در جبران مالی خسارت معنوی با این که ضرر از بین نمی‌رود اما تسکینی برای زیان دیده است. تقویت چنین دیدگاه‌های باعث شده خسارت معنوی در نظام حقوقی بسیاری از کشورها پذیرفته شود. در تحقیق حاضر سعی شده است جایگاه خسارت معنوی در ایران در مقایسه با قانون مدنی مصر به عنوان یکی از قوانین مهم در این زمینه تبیین و تحلیل شود. نتایج تحقیق حاکیست در نظام حقوقی ایران در مقایسه با نظام حقوقی مصر، علی‌رغم اینکه در قوانین مختلف به صورت پراکنده به خسارت معنوی اشاره شده اما نظام حقوقی مشخصی برای آن نمی‌توان قایل شد.

واژگان کلیدی

خسارت، خسارت معنوی، حقوق مصر، حقوق ایران، جبران مالی.

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، امارات.

Email: h.ajdari@yahoo.com

۲. استاد حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: n.a.almasi@yahoo.com

۳. استادیار گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

Email: i.purerfan@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۶/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۱۲

طرح مسأله

در زمانهای گذشته ضرر و زیان معنوی را غیرقابل جبران می‌دانستند و به همین دلیل دادگاهها حکم به جبران خسارت معنوی صادر نمی‌کردند. تا مدتها این اعتقاد وجود داشت که کسر اعتبار و حیثیت و صدمات روحی قابل اندازه‌گیری نمی‌باشد و در نتیجه قابل جبران هم نیست. از این منظر، پرداخت مبلغی وجه ولو هنگفت در حق مجنی‌علیه زیان‌دیده نه تنها آرام بخش تألمات روحی او نخواهد بود و اعتبار و حیثیت او را جبران نخواهد کرد بلکه توهینی است به شخصیت زیان‌دیده، زیرا او در برابر آبرو و حیثیت خود پول دریافت می‌کند و با این عمل ناپسند ارزش و معنویت خود را از دست می‌دهد. (آخوندی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۲۷۴) اما امروزه تئوری جبران خسارت معنوی بطور گسترده‌ای تکامل یافته است. از این منظر خسارت معنوی باید قابل جبران شناخته شود پس اگر به شرف و اعتبار فردی صدمه‌ای برسد باید بگونه‌ای جبران نماید که اعتبار و حیثیت او را دوباره بین مردم بازگرداند اگر چه از طریق خود حکم و انتشار آن در جراید صورت گیرد و این برعهده قاضی است. جبران خسارت معنوی از طریق مادی تا حدودی جانشین آن در ترمیم خسارات وارده محسوب می‌شود. اهمیت خسارت معنوی پرداختن به آن را به ضرورت مبدل ساخته است. البته تحقیق‌های متعددی در زمینه خسارت معنوی در حقوق ایران انجام شده است اما تاکنون تحقیق مستقلی در زمینه بررسی تطبیقی میان حقوق ایران و مصر در زمینه خسارت معنوی انجام نشده و تحقیق حاضر تلاشی است برای انجام این امر مهم. سوال اساسی که در این زمینه مطرح است این است که خسارت معنوی در حقوق ایران و مصر چه جایگاهی داشته و شیوه‌های جبران خسارت معنوی در نظام حقوق دو کشور به چه صورت است؟ فرضیه تحقیق نیز به این شکل قابل طرح است که در نظام حقوقی دو کشور خسارت معنوی پذیرفته شده است با این تفاوت که در حقوق مصر در قانون مدنی این کشور به این امر تصریح شده است در حالی که در حقوق ایران در قوانین مختلف موضوع خسارت معنوی مورد اشاره قرار گرفته است. در حقوق مصر جبران مادی مهمترین شیوه جبران خسارت معنوی عنوان شده اما در حقوق ایران به صراحت از شیوه خاصی نام برده نشده اما می‌توان به روش‌های مختلفی چون عذرخواهی و اعاده حیثیت اشاره کرد. مقاله حاضر تلاش می‌کند با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و مطالعه کتابخانه‌ای به بررسی سوال و فرضیه مورد اشاره بپردازد. در همین راستا ابتدا مفهوم خسارت و خسارت معنوی تبیین شده، سپس جایگاه خسارت معنوی در حقوق ایران و مصر تبیین شده و در ادامه شیوه‌های جبران خسارت معنوی در دو نظام حقوقی تشریح شده و در نهایت نتیجه‌گیری مطرح شده است.

۲- خسارت معنوی

۲-۱- مفهوم خسارت

خسارت در لغت به معنی زیان، غرامت و ضرر است. (ابن منظور، ۱۳۶۳، ج ۴: ۱۲۳) واژه خسارت را به معنای خسران، ضرر و زیان تعبیر کرده اند. این کلمه هم دارای مفهوم اسمی می باشد و هم به عنوان مصدر به کار می رود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳: ۲۶۰) در اصطلاح علم حقوق خسارت عبارت از هر نوع ضرر و زیانی که موجب از بین رفتن حق فرد اعم از مادی یا معنوی می باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۰: ۳۰۱) یا به هرگونه کاهش در کمیت یا کیفیت مال زیان دیده، خسارت گفته می شود. (شهیدی، ۱۳۸۶: ۶۸؛ قربانپور، ۱۳۹۱: ۱۴) البته گاهی هم عدم‌النفع (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰: ۴۴۵) و «وجه التزام» (حکم تمیزی ش ۱۴۵۰ مورخ ۱۳۲۶/۹/۳، شعبه چهارم دیوان عالی کشور) نیز ضرر تلقی شده است. تعریف خسارت با توجه به اینکه عر کس یک برداشت و فهم عرفی از خسارت دارد، چندان آسان نیست. (اژدری، ۱۳۸۷: ۵) بحث در اینکه چه چیزی ضرر است و چه چیزی ضرر نیست بحث حقوقی و فقهاتی نیست بلکه یک بحث مربوط به لغت و عرف است. عرف هر چیزی را ضرر بداند آن ضرر است (بهرامی‌احمدی، ۱۳۷۷: ۱۳۹). از دیدگاه السنهوری، حقوقدان شهیر مصری منظور از ضرر «اخلال به حق یا نفع مالی غیر» است. (السنهوری، پیشین، ص ۸۵۴) در تعریف السنهوری البته ضرر معنوی نادیده انگاشته شده و صرفاً به ضرر منادی اشاره شده است.

بند دوم- مفهوم خسارت معنوی

خسارت در ابتدا برحسب نوع آن به دو نوع کلی، مادی و معنوی یا ادبی تقسیم و مقصود از ضرر مادی، زیانی است که در نتیجه از بین رفتن اعیان اموال (مانند سوختن خانه) یا کاهش ارزش اموال (مانند احداث کارخانه‌ای که از بهای املاک مجاور بکاهد) و مالکیت معنوی (مانند صدمه رساندن به شهرت و نام تجارتي) یا از بین رفتن منفعت و حق مشروع اشخاص، به آنان می‌رسد.

به طور خلاصه می‌توان گفت: کاستن از دارایی شخص و همچنین پیشگیری از فزونی آن، به هر عنوان که باشد، اضرار به شخص است. میزان ضرر نیز تفاوت میان دارایی کنونی زیان‌دیده و دارایی او، در صورتی که فعل زیانبار رخ نمی‌داد، است. (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۱۴۳ و ۱۶۳) اما خسارات معنوی اصطلاح شایع و در عین حال پر ابهامی است که تعیین مصادیق و ترسیم دقیق قلمرو آن کار آسانی نیست زیرا با این که در متون قانونی متعدد به کار رفته و در نوشته‌ها و تألیفات حقوق دانان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اما در هیچ یک از متون مزبور تعریفی از خسارت معنوی به عمل نیامده است و حقوق دانان نیز در تعریف آن وحدت نظر ندارند. از دید کاتوزیان تعریف خسارت معنوی دشوار است با این حال به عقیده وی خسارت معنوی له معن

صدمه به منافع عاطفی و غیر مالی است. (کاتوزیان، همان: ۱۴۴) به عقیده لنگرودی اما خسارت معنوی، ضرر به عرض و شرف متضرر یا یکی از اقارب او می‌باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸:۴۱۶) به عقیده السنهوری نیز خسارت معنوی که از آن به ضرر ادبی یاد می‌کند وارد شدن ضرر به شرف و اعتبار و عرض و نیز به عاطفه و دل‌رحمی و شعور است. (السنهوری، ۲۰۰۰، ج ۱: ۶۸۱) احمد ادریس زیان معنوی را چنین تعریف می‌کند: "زیان معنوی (یا ادبی) زیانی است که بر شعور، احساسات، آبرو، شخصیت و اعتبار انسان مترتب می‌شود" (ادریس، ۱۳۷۲: ۳۱۶). سید حسن امامی در تعریف خسارات معنوی می‌نویسد: «ضرر معنوی عبارت است از صدمات روحی و کسر حیثیت و اعتبار شخص که در اثر عمل بدون مجوز قانونی، دیگری باعث آن شده است». (امامی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۲۴۳) تعریف دیگری که در برخی کتب آمده، می‌گوید: «ضرر معنوی عبارت است از کسر حیثیت یا اعتبار اشخاص یا صدمات روحی». همچنین ماده یک قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ با یک عبارت عام و کلی این تعریف را کامل کرد که می‌گفت: "هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده" (دشتی، ۱۳۶۵: ۲۱) البته در بعضی مواد قانونی به ذکر پاره‌ای از عناصر مهم تشکیل دهنده "خسارت معنوی" اشاره شده است. مثلاً در صدر ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی آمده است: "کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت یا اعتبارات یا موقعیت دیگری زیان وارد آورد مسئول جبران آن است... یا در ماده ۱۰ همین قانون آمده است: "کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد شود می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی یا معنوی خود را بخواهد"... بنابراین ضررهای معنوی ممکن است ناشی از لطمه زدن به یکی از حقوق مربوط به شخصیت، حیثیت و شرافت افراد و یا در نتیجه صدمات روحی باشد. یک حقوقدان معتقد است: بنابر تعریف ارائه شده می‌توان خسارات معنوی را به دو دسته کلی تقسیم کرد، دسته‌ی اول صدمات وارده به یکی از حقوق مربوط به شخصیت، شرافت و آزادیهای فردی می‌باشد و دسته‌ی دوم صدمات روحی و به طور کلی زیانی که به عواطف افراد وارد می‌شود.

بر اساس آنچه گفته شد، بهتر است خسارت معنوی چنین تعریف شود: هرگونه ضایعه و زیان غیرمجاز را که از هتک حیثیت و یا لطمه به اعتبار اجتماعی یا فردی شخص و یا به لحاظ تألمات جسمانی و یا روحی و بالاخره به سبب صدمات عاطفی حاصل می‌شود، خسارت معنوی گویند.

۳- جایگاه خسارت معنوی در حقوق موضوعه ایران و مصر

۳-۱- در حقوق ایران

در حقوق ایران برای نخستین بار برای خسارت معنوی در ماده ۲۱۲ مکرر قانون مجازات عمومی پیش‌بینی گردید، بموجب ماده مذکور: هر کس مرتکب یکی از جرمهای

مذکور در مواد ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۸، ۲۰۹ مکرر و ۲۰۹ گردد علاوه بر مجازات مقرر به تاریه خسارت معنوی مجنی علیه که در هر حال کمتر از پانصد ریال نخواهد بود محکوم می‌شود»... در سال ۱۳۳۵ در قانون آیین دادرسی کیفری، خسارت معنوی و قابل جبران بودن آن بالصراحه مورد نظر قانونگذار قرار گرفت، در بند ۲ این ماده آمده است: «ضرر و زیان معنوی که عبارت است از کسر حیثیت یا اعتبار اشخاص یا صدمات روحی» و با تصویب قانون مسئولیت مدنی در سال ۱۳۳۹ مسئله پرداخت خسارت معنوی طی چند ماده پیش‌بینی و اجمالات و ابهامات به طرز روشنتری برطرف گردید. ماده یک این قانون بطور کلی امکان مطالبه ضرر و زیان معنوی را مورد تایید قرار داده و مقرر می‌دارد: «هر کس بدون مجوز قانونی عمدا یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا بهر حق دیگر که بموجب قانون برای افراد ايجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد». همچنین در ماده ۲ قانونگذار می‌پذیرد که ممکن است خسارت معنوی در کنار و به همراه ضرر مادی متوجه شخص شود و یا اینکه به تنهایی بر او وارد می‌آید ولی در هر عامل زیان را ملزم به جبران آن می‌نماید. ماده ۸ همین قانون به انتشارات خلاف واقع که به حیثیت، اعتبار و یا موقعیت دیگری زیان وارد می‌سازد، اختصاص دارد و علاوه بر اینها در ماده ۹ قانون مزبور جبران ضرر معنوی دختری که در اثر اعمال نامشروع حاضر به هم خوابگی شده پیش‌بینی گردیده است و بالاخره در ماده ۱۰ قانون مار الذکر نوع دیگری از خسارت معنوی همراه با شیوه‌هایی از جبران آن بیان شده، در این ماده می‌خوانیم: «کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد می‌شود، می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده است، جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد. هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید دادگاه می‌تواند در صورت اثبات تقصیر، علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی حکم به رفع زیان از طریق دیگری از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید».

علاوه بر این، در قانون اساسی، در اصل ۱۷۱ آمده است: «هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود». در این قانون که اصول مهم حقوقی و بنیادهای اصلی نظام مطرح گردیده ضرر معنوی در عرض و هم ارز ضرر مادی مطرح و مورد عنایت قانونگذار قرار گرفته و به وضوح وارد کننده خسارت معنوی را مسئول یا ضامن قلمداد کرده است و طبعا متضرر را مستحق مطالبه خسارت ناشی از ضرر معنوی می‌شمارد. و به تفصیلی که خواهیم دید یکی از شایع‌ترین روشهای جبران خسارت، پرداخت ما بازاء مالی به خسارت دیده است.

در ماده ۳۰ قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴ نیز مسئله خسارات مادی و معنوی به طور تلویحی مطرح شده است که البته روند تصویب ماده مزبور دلالت بر نظر مثبت قوه مقننه بر ضرورت توجه خاص به خسارات معنوی دارد.

۳-۲- در قانون مدنی مصر

قبل از وضع قانون مدنی جدید مصر نصی که مقتضی جبران خسارت معنوی باشد؛ وجود نداشت؛ ولی حقوق دانان و قضات جبران نوعی از خسارت معنوی را پذیرفته بودند. (السنهوری، ۲۰۰۰، ج ۱: ۷۶۸ و ۸۶۷) با تصویب قانون مدنی جدید این پذیرش مورد تأکید قرار گرفت؛ بخشی از بند نخست م. ۲۲۲ قانون مدنی مصر به صراحت اعلام می‌دارد: «جبران خسارت شامل زیان معنوی نیز می‌شود»؛ شمول و فراگیری ماده آن چنان است که جبران خسارت معنوی در مسئولیت قراردادی و مسئولیت مدنی (خارج از قرارداد) را در بر می‌گیرد.

در گذشته رویه قضایی مصر بر این منوال بود که اگر فعل زیانبار فقط موجب ضرر معنوی محض شود و هیچگونه خسارت مالی به دنبال نداشته باشد جبران چنین ضرری از طریق مالی پذیرفته نمی‌شد. در صورتیکه جبران مزبور از طریق معنوی و غیرمالی امکان داشت و به کارگیری این شیوه به منظور جبران خسارت کافی بوده، مورد حکم قرار می‌گرفت. برای مثال جاییکه بد زبانی و ناسزاگویی یا اظهارات خلاف واقع برای زیان دیده پیامد مالی به دنبال نداشت و حکم به انتشار تکذیب و عذرخواهی در روزنامه یا محکومیت به مبلغی ناچیز و نمادین برای جبران ضرر معنوی کافی بود، دادگاه در اتخاذ چنین شیوه ای تردید نمی‌کرد. زیرا در این صورت ضرر جبران آن هر دو معنوی و متجانس بودند.

از این محاکم مصدرر ابتدا جبران خسارت معنوی از طریق مالی را نمی‌پذیرفتند و در این رابطه به دلایلی شبیه به آنچه قبلاً در رد جبران خسارت معنوی از طریق پول آورده شده استثناء کرده و چنین حکم کرده اند که اگر از ضرر معنوی هیچگونه خسارت مالی متوجه زیان دیده شود، نمی‌توان وارد کننده زیان معنوی را به خسارت مالی محکوم کرد یا اینکه خسارت ناشی از اندوه و در دریا شرافت و آبرو را نمی‌توان با مال سنجید و جبران نمود. (السنهوری، پیشین: ۸۶۷)

ولیکن رفته رفته رویه قضایی از نظر قبلی عدول کرده تا در نهایت به این نتیجه رسید که

۱. در این رابطه می‌توان به احکام صادره از محاکم مصر اشاره کرد مثل حکم محکومیت وارد کننده زیان معنوی به مبلغی ناچیز به عنوان جبرانی سمبلیک و نمادین. و نیز حکم به اینکه اگر انتشار حکم دادگاه در یکی از روزنامه جبرانی کافی برای ضرر معنوی باشد دیگر موجهی برای حکم به جبران مالی وجود ندارد و می‌توان به آن حکم نمود. زیرا علاوه بر اینکه ارزیابی زیان معنوی به مال ساده نیست، نباید زیان مذکور را وسیله کسب مال قرار داد. همچنین دادگاه استیناف اسکندری نیز در سال ۱۹۰۲ چنین حکم کرده که محکومیت وارد کننده زیان معنوی به پرداخت هزینه دادرسی یا تصحیح مطالب دروغین، جبران خسارتی کافی برای ضرر معنوی به حساب می‌آید. (سنهوری، پیشین، ص ۸۶۷)

زیان معنوی همانند زیان مادی سزاوار جبران مالی است و دیوان کشور در سال ۱۹۳۲ چنین حکم می دهد که خسارت معنوی را می توان از طریق مادی جبران نمود و به دنبال آن محاکم دیگر احکام متعددی صادر کردند که در آنها جبران خسارت معنوی، مثل لطمه به آبرو یا احساس درد و تالمات روحی بوسیله مال ترمیم شده بود. (السنهوری، پیشین: ۸۶۷) پس از آنکه پایه های جبران خسارت معنوی از طریق مادی در حقوق و رویه قضایی استقرار و استحکام یافت، تدوین کنندگان قانون مدنی در صدد برآمدند تا به نظریه مزبور صورت قانونی بخشیده و ابهامات را در این رابطه بزدانند. لذا قانون مدنی مصر در صدر ماده ۲۲۲ چنین تصریح می دارد: «زیان معنوی هم مشمول جبران خسارت می شود». در کل، رویه قضایی این کشور اگرچه در ابتدا در زمینه ی جبران خسارت معنوی مردد بود، چنان که دادگاه استیناف حکم نمود شرف قابل ارزیابی با مال نیست (۱۱ دسامبر ۱۹۰۰) و دادگاه استیناف دیگری جبران خسارت معنوی را تنها در فرضی که ضرر زیان دیده موجب اختلاف نظام معیشت شود، پذیرفته بود (۱۸۹۶)؛ ولی به تدریج جبران خسارت معنوی را پذیرفت. (همان)

۴- شیوه های جبران خسارات معنوی

۴-۱- در حقوق ایران

در بیان این که نحوه ی جبران صدمات معنوی چگونه است باید قایل به تفکیک شد. در برخی از خسارات معنوی پرداخت جریمه الزامی است، ولی در برخی دیگر از آنها اعاده حیثیت شخص مورد حکم قرار می گیرد و در برخی موارد هر دو مجازات یعنی هم پرداخت جریمه و هم اعاده حیثیت مقرر می گردد. برای مثال، اگر بر اثر فعل مجرم فردی زیبایی خود را از دست داده باشد می تواند به این خاطر (علاوه بر دیه) مبلغی را تحت عنوان خسارت معنوی مطالبه کند و آن را صرف هزینه پزشکی برای بازگرداندن زیبایی خود نماید. ولی در برخی موارد فرد مجرم می بایست از طریق انتشار آگهی یا اعلامیه یا به هر نحوی که اقتضا می کند اقدام به کسب اعتبار از دست رفته فرد مقابل نماید. روشهای متداول جبران خسارت معنوی براساس متون قانونی موجود بدین شرح است: ۱- موقوف نمودن یا از بین بردن منبع ضرر.^۱ ۲- عذرخواهی شفاهی از خسارت دیده.^۲ (ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی) ۳- عذرخواهی عملی یا کتبی یا درج مراتب اعتداز در جراید. (ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی) ۴- اعاده حیثیت از خسارت دیده به هر نحو دیگر.

۱. الف: ذیل ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی مقرر می دارد: "...شخصی که در اثر انتشارات مزبور یا سایر وسایل مخالف با حسن نیت، مشتریان کم و یا در معرض از بین رفتن باشد، می تواند موقوف شدن عملیات مزبور را خواسته و در صورت اثبات تقصیر زیان وارده را از وارد کننده مطالبه نماید."

۲. ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی: "کسی که به حیثیت و اعتبارات او لطمه وارد شود. دادگاه می تواند... حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید."

(اصل ۱۷۱ قانون اساسی) ۵- پرداخت مال یا مابازاء مادی به خسارت دیده. (ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی)

از میان شیوه‌های فوق در متون قانونی به مورد نخست کمتر اشاره شده است. تنها در ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی به این شیوه توجه شده است، از عبارت ماده چنین استنباط می‌گردد که قانونگذار در مقام بیان روش مناسب جبران خسارت وارده به اعتبارات و حیثیات تجاری یا حرفه‌ای می‌باشد. این مقوله بیشتر در چارچوب خسارات مادی می‌گنجد و تنها موارد نادری از خسارات معنوی را شامل می‌شود. به شرط این که در اثر تصدیقات یا صدور گواهی‌های غیرقانونی یا نشر مطالب خلاف واقع حیثیت و آبروی کسی در معرض تجاوز قرار گرفته باشد و دوم: از این بابت شخص متضرر گردیده باشد و سوم: از طریق موقوف نمودن عملیات مزبور بتوان رفع خسارت نمود. (ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی)

موارد دوم و سوم نیز تنها در صدمات معنوی کم‌اهمیت و جزئی کاربرد دارد و بعضی از آنها مؤثر است والا خسارات عظیم حیثیتی یا آبرویی یا ناموسی و عاطفی از قبیل بدنام کردن یک فرد یا خانواده، جریحه‌دار کردن عواطف افراد، وارد کردن فشارهای روحی شدید چگونه از طریق معذرت‌خواهی یا درج اطلاعیه‌ای در روزنامه و امثال آن جبران یا حتی تعدیل می‌گردد. مورد چهارم نیز با این که ذیل اصل ۱۷۱ ق.اساسی به کار رفته مصداقی جز موارد سه گانه فوق یا مورد پنجم ندارد. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که مؤثرترین وسیله ممکن جهت جبران خسارات معنوی مورد پنجم یعنی پرداخت مال یا مابازاء مادی به خسارت دیده^۱ است. (کاتوزیان، ۱۳۷۰: ۱۵۴) زیرا در بسیاری از موارد که صدمات روحی و عاطفی شدید است کمتر می‌توان با اعتداری شفاهی یا کتبی رنج و آلام و صدمات روحی خسارت دیده را التیام بخشید و چه بسا تأثیر چندانی بر جراحات درونیش نگذارد. مجازات‌ها و ضمانت‌های اجرائی کیفری نیز صرفاً برای حفظ نظم اجتماعی و رعایت حقوق عمومی است، در حالی که خسارات معنوی امری خصوصی بوده و پیش‌بینی شیوه‌های جبران آن به منظور ترمیم خسارات شخصی زیان دیده می‌باشد.

بنابراین باید اذعان نمود که هیچ وسیله‌ای مؤثرتر و کاراتر از پرداخت وجه یا انتقال مال با رعایت تناسب بین فشارهای روحی وارده و مابازاء مالی آن نمی‌توان به دست داد. نظام حقوق ایران در مواردی صریحاً و در مواردی تلویحاً بر این مطلب تأکید دارد. در ماده ۱۰ قانون مسئولیت

۱. منظور از خسارت دیده کسی است که به طور مستقیم و یا غیرمستقیم مورد فشار روحی یا عاطفی یا صدمات معنوی دیگر قرار گرفته است. با این توضیح ممکن است از مجروح شدن یا فوت یک نفر افراد متعددی دچار خسارات معنوی شوند و ادعای خسارت نمایند. شوابط حاکم بر چگونگی تعیین افرادی که محق در درخواست خسارت معنوی هستند در جای خود بحث شده است.

مدنی پس از ذکر مصداقی بارز از خسارات مالی حکم به رفع زیان از طریق دیگر... نماید" در این ماده به روشنی جبران مالی خسارت معنوی پیش بینی شده است، اما در موارد ۱، ۲، ۸ و ۹ قانون مزبور و اصل ۱۷۱ قانون اساسی به طور ضمنی اشاره دارد مثلاً در اصل ۷۱ آمده است: "...در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است"...

علاوه بر این، در ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲^۱ به وجهی تنظیم شده که تردیدی در "نوعی جبران خسارت معنوی بودن دیات" باقی نمی‌گذارد. زیرا در ماده ۱۷ دیه به عنوان "الی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیر عمدی بر نفس، اعضاء و منافع و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد" تلقی می‌گردد و در بند الف ماده ۲۹۵ قانون مجازات ۱۳۹۲ یکی از موارد پرداخت دیه قتل یا جرح یا نقص عضو که ناشی از خطا باشد تعیین گردیده است، در حالی که برای امکان مجازات فرد بایستی سوء نیت مرتکب محرز گردد. در اصطلاح حقوق جزا سوء نیت یکی از ارکان مسئولیت کیفری است و آنچه بدیهی است در جرائم خطائی هیچ‌گونه سوءنیتی متصور نمی‌باشد.

همچنین، اداره حقوقی قوه قضائیه در پاسخ سؤالی به این مضمون "آیا به تبع امر جزائی می‌توان دادخواست ضرر و زیان معنوی ناشی از جرم به دادگاه تقدیم نمود یا خیر؟ و دادخواست مذکور قابل رسیدگی است یا نه؟" مقرر داشته "مقررات مربوطه به مطالبه ضرر و زیان مادی و معنوی من جمله ماده ۹ قانون آئین دادرسی کیفری نسخ نشده و اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم به این قبیل خسارات تصریح کرده است. بنابراین مطالبه ضرر و زیان مادی و معنوی ناشی از جرم جنبه قانونی دارد".

در این نظریه، اداره حقوقی قوه قضائیه که از مراجعه معتبر حقوقی کشور می‌باشد و در شورای بررسی استفتائات حقوقی آن تعداد معتنابهی حقوق دانان مجرب و پرسابقه حضور دارند به وضوح تمایل خود را بر ضرورت جبران خسارات معنوی از طریق مابازاء مالی ابراز داشته است. زیرا به کار بردن اصطلاح "مطالبه" در مقام جبران خسارات معنوی که دارای بار حقوقی خاص می‌باشد و همواره در مقام درخواست پرداخت اموال یا وجوه مالی به کار می‌رود دلیل روشنی بر این امر محسوب می‌گردد.

۱. ماده ۱۷ مقرر می‌دارد: "دیه اعم از مقدر و غیر مقدر، مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیر عمدی بر نفس، اعضاء و منافع و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد به موجب قانون مقرر می‌شود..." در ماده ۲۹۵ نیز آمده است: "در موارد زیر دیه پرداخت می‌شود:

الف- قتل یا جرح یا نقص عضو که به طور خطاء محض واقع می‌شود و آن...

ب- قتل یا جرح یا نقص عضو که به طور خطاء شبیه عمد واقع می‌شود...

ج- مواردی از جنایت عمدی که قصاص در آنها جایز نیست."

۴-۲- در حقوق و مصر

به عقیده السنهوری، هیچ وسیله اطمینان بخشی جهت جبران خسارت معنوی نمی‌توان یافت زیرا ارزیابی میزان خسارات معنوی و تعیین معادل یا مابازاء این گونه خسارات مقدور نیست. (السنهوری، پیشین، ج ۱: ۸۶۶) در کشور مصر دادگاهها با استفاده از جواز ماده ۲۲۲ قانون مدنی جدید و قوانین دیگر بدون تردید حکم به جبران خسارت معنوی صادر می‌نمایند برای مطالبه خسارت معنوی باید وقوع ارکان و شرایط سه گانه: فعل زیان بار، ورود خسارت و رابطه سببیت بین آن دو احراز شود. با توجه به شخصی بودن زیانهای معنوی اصل بر عدم امکان انتقال و مطالبه از سوی غیر زیان دیده است، مگر در موارد خاص که در حقوق هر دو کشور درباره آن بحث شده است. منظور از جبران خسارت معنوی، ترمیم کامل زیان نیست، بلکه تشفی، تسکین و رضایت خاطر زیان دیده است. بر این اساس، برای جبران خسارتهای معنوی راهکارهای مختلفی اندیشیده شده و اجرا می‌شود. دادگاههای هر کشور نیز بر اساس مبانی حقوقی آن کشور و روشهای مقرر حکم به جبران ضررهای معنوی صادر می‌نمایند. مهمترین و بحث انگیزترین شیوه جبران خسارت معنوی، جبران به وسیله پرداخت پول یا مال است.

ماده ۱۷۱ قانون مدنی مصر در صدد بیان راههای جبران خسارت است و در این باره چنین مقرر می‌دارد: «قاضی با توجه به اوضاع و احوال، شیوه جبران خسارت را تعیین می‌کند. جبران خسارت می‌تواند (با پرداخت وجه نقد) بصورت اقساط یا مستمری باشد و در هر دو صورت می‌توان مسئول را مجبور به سپردن تامین نمود. خسارت با پول ارزیابی می‌گردد و لیکن قاضی می‌تواند با توجه به شرایط اوضاع و اموال و در صورت درخواست زیان دیده حکم به اعاده وضع سابق متضرر کند یا به انجام کار معینی که با فعل نامشروع مرتبط است (در رفع ضرر موثر است) برای جبران خسارت حکم کند».

از مفاده ماده مذکور مشخص می‌گردد جبران خسارت یا عینی است و یا از طریق دادن معادل که مورد اخیر نیز یا به وسیله پرداخت وجه نقد است و یا از طریق معادلی غیر نقدی. (السنهوری، پیشین: ۹۶۶)

در شریعت اسلام اصل در جبران خسارت دادن عوض عینی است بدین نحو که اگر چیزی از کسی گرفته شود عین آن یا مثل آن که مساوی با آن است برگردانده می‌شود به بیان دیگر چنانچه مال تلف شده مثلی باشد مثل داده شود و قیمت در صورتی پرداخت می‌گردد که مال تلف شده قیمی باشد. البته بهترین وسیله جبران خسارت همین طریق است که با عدالت نیز سازگاری دارد. برای مثال هر گاه تابلو بلورین کسی شکسته شود، بهترین جبران آن است که مشمول حادثه زیان بار به جای آن یک تابلوی بلورین همانند تهیه کرده و به زیان دیده بدهد یا اگر سپر ماشینی ناقص گردد، بهترین جبران، تعمیر آن و برگرداندن به حالت اولیه است.

یا اگر مالکی اقدام به بنای دیوار بلندی در ملک خود کند و مانع رسیدن نور و هوا به همسایه شود، بهترین جبران خراب کردن و قلع دیوار مذکور می باشد.

در این موارد در حقیقت مسئول حادثه زیان بار تعهد قانونی خود مبنی بر عدم ورود زیان به دیگری را نقض نموده و به همین جهت مکلف به جبران خسارت می باشد و چون نقض تعهد به موجب عملی است که می توان آثار آن را از بین برده و محو کرد، جبران عینی امکان پذیر است در ماده ۱۷۱ قانون مدنی مصر به این امر تصریح شده است و مقرر می دارد: «قاضی می تواند با توجه به شرایط و اوضاع و احوال و در صورت درخواست زیان دیده حکم به اعاده وضع سابق متضرر کند».

با عنایت به مواردی که به عنوان جبران خسارت معنوی در حقوق مصر مطرح شده و در مقایسه با حقوق ایرانی می توان گفت منظور از جبران عینی در حقوق مصر همان اعاده وضع سابق در حقوق ایران است به علاوه اینکه دادن مثل نیز در زمره جبران عینی قرار دارد.

یکی از روش های جبران خسارت معنوی در حقوق مصر، جبران خسارت از طریق غیرنقدی است. در این روش جبران خسارت نه از طریق پرداخت وجه نقد صورت می گیرد و نه به روش جبران عینی بلکه به جای خسارت وارده به زیان دیده، مسئول حادثه باید کاری انجام دهد که در رفع ضرر نقش داشته و موثر باشد. برای مثال اگر به کسی زبانی وارد شود و ضرورتی در جبران خسارت از طریق پرداخت پول نباشد و جبران عینی خسارت هم متعذر و غیرممکن باشد، دادگاه می تواند بنا به درخواست زیان دیده مسئول را به انتقال مالکیت سندی یا سهامی به زیان دیده مجبور کند یا اینکه به منظور جبران خسارت حکم کند تا محصول کشت و زرع مسئول حادثه زیان بار به زیان دیده داده شود. همچنین زیان های معنوی ناشی از ناسزاگویی را می توان از همین طریق جبران نمود و حکم به محکومیت خواننده را به دستور دادگاه در جراید منتشر کرد. (السنهوری، پیشین: ۹۶۷)

در این مورد که جبران خسارت عینی نبوده و به وسیله پرداخت وجه نقد هم نیست، جبران خسارت از طریق غیرنقدی صورت پذیرفته است. قسمت دوم ماده ۱۷۱ قانون مدنی مصر به همین مطلب اشاره کرده و مقرر می دارد: «قاضی می تواند به انجام کار معینی که با فعل نامشروع مرتبط است (در رفع ضرر موثر است). برای جبران خسارت حکم کند».

البته در حقوق مصر اصل در جبران خسارت پرداخت وجه نقد است و این به عنوان قاعده ای کلی پذیرفته شده و غالباً در محاکم این کشور از این طریق خسارت وارده به زیان دیده جبران می شود. عمومیت این شیوه از آن جهت است که هر خسارتی حتی زیان های معنوی را با پول قابل ارزیابی و جبران به حساب می آورند بنابراین در تمامی مواردی که جبران خسارت عینی متعذر باشد یا راهی برای جبران خسارت غیرنقدی مناسب وجود نداشته باشد و یا جبران

عینی و غیرنقدی ممکن باشد ما از سوی زیان دیده اجرای آن درخواست مطالبه شود ارزیابی خسارت به پول و پرداخت آن تنها راه جبران خسارت به شمار آمده و به آن اقدام می‌گردد. (سنهوری، پیشین، ص ۹۶۷). پس همانطور که ماده ۱۷۱ قانون مدنی مقرر می‌دارد جبران نقدی اصل است و خسارت با پول ارزیابی می‌گردد.^۱

علاوه بر این، قانونگذار مصر در ماد ۲۱۵ قانون مدنی^۲ و بند دوم ماده ۲۰۳^۳ به پرداخت نقدی خسارت به عنوان یکی از طرق جبران خسارت تصریح نموده است. جبران نقدی خسارت نیز می‌تواند در توافق طرفین و یا در نتیجه حکم دادگاه تعیین شود. (طباخ، ۲۰۱۱م: ۲۳۴؛ دناصوری و شورابی، ۲۰۱۳م: ۳۴۵) اما در قانون مصر بین مسئولیت قهری و قراردادی درباره جبران خسارت تفاوت وجود دارد، زیرا قانونگذار مصر در بند دوم ماده ۱۷۱ قانون مدنی جدید مصر تصریح کرده است که پرداخت خسارت اولاً به صورت نقدی است و در مرحله بعد با درخواست زیان‌دیده به صورت عینی است. ولی در مسئولیت عقدی، اجبار به انجام تعهد را مقرر کرده سپس در مرحله بعد پرداخت نقدی را گفته است. السنهوری می‌نویسد: «با توجه به تصریح بند دوم ماده ۱۷۱ قانون مدنی جدید مصر که مقرر کرده «خسارت به صورت نقدی تعیین می‌شود». اصل در پرداخت خسارت در خسارات قهری به صورت پرداخت نقدی است. (السنهوری، ۱۹۸۸م: ۴۲۹)

در جبران خسارت به طریق پرداخت پول غالباً ضرر با مبلغ معین وجه نقد ارزیابی شده و به صورت دفعتاً واحده و یکباره به زیان دیده پرداخت می‌گردد اما ماده ۱۷۱ قانون مدنی مصر این اختیار را به دادرس می‌دهد که طبق شرایط و اوضاع و احوال مبلغ خسارت را برای مدتی معین تقسیم کند یا اینکه مبلغی را به عنوان مستمری و ماهیانه تعیین کند تا در طول زندگی زیان دیده به او پرداخت بشود.

بدیهی است در صورت اول جبران خسارت با پرداخت آخرین قسط به پایان می‌انجامد و در حالت دوم جبران خسارت تا زمان فوت زیان دیده باقی می‌ماند. چون در هر دو صورت پرداخت خسارت به طول می‌انجامد ماده ۱۷۱ قانون مدنی مصر به قاضی اجازه می‌دهد تا در صورت لزوم مسئول حادثه زیان بار را مجبور به سپردن تامین مناسب بکند.

هر گاه دادگاه پرداخت به صورت مستمری و اقساط را روش مناسبی برای جبران خسارت تشخیص دهد به آن حکم می‌کند. برای مثال، جاییکه زیان دیده به سبب حادثه دچار از کار

۱. «بقدر التعویض بالنقد»

۲ هر گاه برای متعهد، اجرای عین تعهد ممکن نباشد، به خاطر عدم ایفای تعهد، محکوم به پرداخت خسارت خواهد شد...
 ۳. معیناً هر گاه اجرای عین برای متعهد دشوار و سنگین باشد می‌تواند ایفای تعهد را به تادیه مبلغی پول به عنوان غرامت محدود کند...

افتادگی موقت برای مدتی معین شده باشد، پرداخت وجه نقد به صورت اقساط معلوم تا زمان بهبودی روش مناسبی برای جبران خسارت او می باشد و اگر زیان دیده دچار از کار افتادگی همیشگی شده باشد، خواه به طور کامل یا جزئی در این صورت نیز حکم به پرداخت مستمری مادام العمر مناسب و به نفع او خواهد بود.

اصل در جبران خسارت در حقوق مصر همچنانکه ملاحظه گردید این است که زیان وارده به پول ارزیابی شده و مبلغی وجه نقد به منظور رفع ضرر به زیان دیده پرداخت گردد و در عمل نیز غالباً همین روش مورد استفاده قرار می گیرد و جبران عینی وسیله ای است استثنایی که در موارد معدودی برای جبران زیان، دادگاه به آن حکم می کند. مفاده ماده ۱۷۱ قانون مدنی مصر به این معنی تصریح دارد که قاضی ملزم نیست حکم به جبران عینی کند و می گوید «خسارت با پول ارزیابی می گردد و لیکن قاضی می تواند...» پس از جبران عینی در حقوق مصر الزامی و اجباری نیست و دادگاه هیچگاه مجبور به اتخاذ این روش نمی باشد بلکه اختیاری است که قانونا به دادرس تفویض شده است و غالباً دادگاهها وقتی به آن متوسل می شوند که هم قابل اجرا و ممکن باشد و هم مورد تقاضای زیان دیده باشد مضافاً بر اینکه حکم به آن نباید موجب مشقت فراوان و ستم به مسئول حادثه زیان بار گردد. (السنهوری، پیشین: ۹۶۷)

ماده قانونی ای که ارتباط مستقیم با تعیین میزان خسارت دارد ماده ۱۷۰ قانون مدنی مصر است در این ماده مقرر می دارد: «میزان خسارت ناشی از زیان وارده به متضرر توسط قاضی مطابق ضوابط مواد ۲۲۱ و ۲۲۲ با توجه به شرایط و اوضاع و احوال تعیین می گردد. در صورتیکه برای قاضی در زمان صدور حکم تعیین قطعی میزان خسارت مقدور نباشد، می تواند حق زیان دیده را برای مدتی معینی محفوظ نگه دارد تا او بتواند آن مدت تجدیدنظر نسبت به میزان خسارت را درخواست نماید».

برای توضیح بیشتر مواد ۲۲۱ و ۲۲۲ قانون مدنی مصر که در متن ماده ۱۷۰ قانن مذکور قید گردیده به ترتیب ذکر می گردد. ماده ۲۲۲ قانون مدنی مصر مقرر می دارد: «اگر میزان جبران خسارت به موجب قرارداد با قانون مشخص نشده باشد، قاضی باید آن را تعیین کند. خسارت شامل زیان وارده به متضرر و از دست دادن منفعت می شود، مشروط بر اینکه نتیجه طبیعی عدم ایفاء تعهد یا تأخیر در آن باشد. و در صورتی زیان نتیجه طبیعی با شمار می آید که بستانکار نتواند با تلاش متعارف خود از وقوع آن جلوگیری کند، مع ذلک چنانچه تعهد به موجب قرارداد پدید آمده باشد در صورتیکه بدهکار مرتکب تقلب و تقصیری و خطای سنگینی نشده

۱. بقدر القاضی مدى التعويض عن الضرر الذى الحق المضرور طبقاً لاحكام المادتين ۲۲۱ و ۲۲۲، مراعیاً فی ذلك الظروف الملايهسه. فان لم يتيسر له وقت الحكم ان يعين مدى التعويض تعييناً نهائياً، فله ان يحتفظ للمضرور بالحق فى ان يطالب خلال مدى معينه با عاده النظر فى التعدير».

باشد، فقط ملزم به جبران خسارتی است که در هنگام عقد قرارداد قابل پیش بینی بوده است^۱. ماده ۲۲۲ قانون مذکور نیز چنین مقرر می‌دارد زیان معنوی هم مشمول جبران خسارت می‌شود ولیکن در این حالت حق جبران خسارت از زیان دیده به دیگری منتقل نمی‌گردد مگر اینکه به موجب توافق طرفین این حق تعیین شده باشد یا بستانکار آن را از دادگاه مطالبه نموده باشد. مع ذلک صدور حکم به جبران خسارت معنوی در مورد تالم روحی ناشی از مرگ زیان دیده فقط برای همسر و خویشاوندان تا طبقه دوم امکان پذیر است^۲.

از این ماده قانون مدنی چنین برداشت می‌شود که ملاک در جبران خسارت وجود ضررمستقیم است پس هر روشی که برای جبران خسارت انتخاب گردد، اعم از جبران عینی یا به طریق معادل: از طریق پرداخت وجه نقد یا جبران غیر نقدی، میزان خسارت بر اساس ضررمستقیم با توجه به اوضاع و احوال ارزیابی می‌شود ضررمستقیم که نتیجه طبیعی فعل زیانبار است هم زیان وارده به متضرر را شامل می‌شود و هم از دست دادن درآمد و منفعت را. و قابل پیش بینی بودن یا نبودن ضرر در آن تاثیری ندارد.

نتیجه گیری

بر اساس آنچه گفته شد، هم در حقوق ایران و هم در حقوق مصر، خسارت معنوی پذیرفته شده است. در حقوق مصر به صراحت در قانون مدنی این کشور، خسارت معنوی مورد پذیرش قرار گرفته و شیوه‌های جبران خسارت بر اساس احوال و اختیار قضات گذاشته شده است. با این حال در خصوص روش‌های جبران خسارت در حقوق این کشور، جبران خسارت به صورت نقدی مهم‌ترین روش می‌باشد. امری که در حقوق ایران به صورت مشخصی بدان پرداخته نشده است. به نظر می‌رسد روش‌های متداول جبران خسارت معنوی بر اساس متون قانونی موجود در حقوق ایران عبارت است از موقوف نمودن یا از بین بردن منبع ضرر، عذر خواهی شفاهی از خسارت دیده، عذرخواهی عملی یا کتبی یا درج مراتب اعتذار در جراید، اعاده حیثیت از خسارت دیده به هر نحو دیگر، پرداخت مال یا مابازا مادی به خسارت دیده. در کل

۱. اذا لم یکن التعویض مقدراً فی العقداً و بنص فی القانون فالقاضی هو الذی نتیجه طبیعیه لعدم الوفاء بالالتزام او للتاخر فی الوفاء به. و یعتبر الضرر نتیجه طبیعیه اذا لم یکن فی استطاعه الدائن ان یتوفاه بیذل جهد معقول. و مع ذلک اذا کان الالتزام مصدره العقد، فلا یتلزم المدین الذی لم یرتکب غشاء او فعلاً جسیماً الا یتعویض الضرر الذی کان یکمن توقعه عاده وقت التفاقد.

۲. یشتمل تاتعویض الضرر الادبی ایضاً، و لکن لایجوز فی هذه الحاله ان ینفعل الی الغیر الا اذا تحدد بمقتضى اتفاق، او طالب الدائن به امام القضاء و مع لک لایجوز الحكم بتعویض الا للازواج و الاقارب الی الدرجه الثانیه عما یصیبه من الم من حراء موت المصاب.

به نظر می‌رسد می‌رسد خسارات معنوی در حقوق ایران و به ویژه محاکم قضائی ایران بسیار مهجور مانده است. این در حالی است که در قانون مدنی مصر خسارت معنوی بیشتر مورد توجه قرار گرفته و همانند خسارت مادی رفته رفته در رویه قضایی این کشور پذیرفته شده است. با توجه به توضیحات فوق پیشنهاد می‌شود مجلس شورای اسلامی در متون قانونی مربوط به ویژه در بررسی و تصویب دو لایحه قانون آئین دادرسی مدنی که جایگاه اصلی طرح شواهد راجع به خسارات معنوی است با پیش بینی موادی گویا و جامع خلاء موجود را پر نمایند و قاعده مهمی را که اصل ۱۷۱ قانون اساسی پایه‌گذاری کرده است گسترش دهند و مسئله را به روشنی عرضه دارند. قوه قضائیه و محاکم قضائی کشور که دومین منبع معتبر قوانین عادی کشور محسوب می‌شوند با بنیاد نهادن رویه‌ای محکم و استوار درخواستهای راجع به خسارات معنوی را پذیرا شوند و بکوشند تا موجبات احقاق حق مطلوب افراد جامعه را در این قلمرو فراهم سازند.



فهرست منابع

- ۱- ابن منظور، لسان العرب، قم، نشر ادب حوزه، چاپ اول، ۱۳۶۳
- ۲- احمد ادريس، عوض.ديه.ترجمه دكتور عليرضا فيض.تهران:انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، ۱۳۷۲
- ۳- آخوندی، محمود، آيين دادرسی کیفری: کلیات و دعاوی ناشی از جرم (جلد ۱)، سال چاپ: ۱۳۹۰
- ۴- ازدری، حسن، خسارت معنوی در نظام قضایی ایران و حقوق بین الملل، شیراز، کوشا مهمر، ۱۳۸۷.
- ۵- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ج ۲، تهران: انتشارات اسلامیه. ۱۳۸۶
- ۶- جعفر لنگرودی، محمدجعفر، تاریخ حقوق، چاپ هفتم، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۰
- ۷- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ هفتم، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۰
- ۸- حکم تمییزی ش ۱۴۵۰ مورخ ۱۳۲۶/۹/۳، شعبه چهارم دیوان عالی کشور
- ۹- حمید بهرامی احمدی، سوءاستفاده از حق، تهران، موسسه اطلاعات ۱۳۷۷
- ۱۰- دناصوری، عزالدین و عبدالحمید شورابی، المسئولية المدنية فی ضوء اليقوه القضاء، اسکندریه: شركة ناس، ۲۰۱۳م
- ۱۱- السنهوري، عبدالرزاق احمد، الوسيط فی شرح القانون المدني الجديد، المجلد السابع، الطبعة الثالثة، بيروت، منشورات الحلبي الحقوقية. ۲۰۰۰م،
- ۱۲- السنهوري، عبدالرزاق، الوجيز فی النظرية العامة للالتزام، ج ۱، بيروت: الحلبي الحقوق، ۱۹۸۸م
- ۱۳- شهیدی، مهدی، حقوق مدنی تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۶
- ۱۴- طباح، شری احمد، الموسوعة الراملة فی التعویضا المدنية فی ضوء القضاء اليقه، مصر: المركز القومي لطصدارات القانونية، ۲۰۱۱م
- ۱۵- قربانپور، امیر مهدی، مسئولیت قراردادی (ماهیت و مبانی)، تهران: مجد، ۱۳۹۱
- ۱۶- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، ضمان قهری، مسئولیت مدنی، چاپ چهارم، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۰، ص ۱۴۳ و ۱۶۳
- ۱۷- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳
- ۱۸- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: ایقاع، تهران، مؤسسه‌ی نشر یلدا، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- ۱۹- محمدجعفر، جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ج دوم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۶۷
- ۲۰- میرزا حبیب‌الله دشتی، غصب، چاپ سوم، تهران، نشر علامت، ۱۳۶۵.